

## اتمام حجت مقاومت با ترور بست‌های آمریکایی

صفحه ۷



ضعف دولت ترامپ در تأمین تجهیزات اولیه مقابله با کرونا و چالش جدی جامعه پزشکی ایالات متحده

## آمریکا بدون ماسک

صفحه ۷

بیماری طاعون ۷ قرن پیش به اضمحلال نظام قرون وسطایی اروپا انجامید

آیا بحران کرونا نیز نقطه عطفی تمدنی در تغییر نظم جهانی فعلی پدید خواهد آورد؟

# طاعون لیبرال دموکراسی

چگونه لیبرالیسم فرزندان را می‌خورد



درس‌های کرونا برای کشورهای مستقل

## فرصت ساخت درونی قدرت

صفحات ۵ و ۲

### نیایش

شرحی بر دعای هفتم صحیفه سجاده/ پایان

تو فقط می‌توانی

اگر چه شایستگی آن را ندارم

[ حجت‌الاسلام سیدسعید لواسانی ]



وَلَا تَشْفَلِنِي بِالْاِهْتِمَامِ عَن تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ فَقَدْ ضَقَبْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذُرْعًا وَأَمْتَلَأْتُ بِحَمَلِ مَا خَدَتْ عَلَيَّ هَمًّا وَآثُ الْقَادِرِ عَلَيَّ كَشْفَ مَا مَنَيْتُ بِهِ، وَ دَفَعُ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَاقْعَلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

ترجمه: و مرا به سبب چیزگی آندوده، از انجام واجبات و کار بستن مستحباب باز مدار، زیرا پروردگار من! از سختی بر من فرود آمده، بی طاقت هستم و از اندوهی که بر من وارد شده، جانم آکنده است، و تنها تو توان آن را داری که اندوه و گرفتاری را برداری و آنچه را بر من وارد شده است، بطرف فرمای؛ پس با من چنین کن و اگر چه سزاوار آن نیستی، بلا را از من دور بگردان، ای دارنده عرش بزرگ!

شرح: فراز پایانی دعای پرمتحوا و عمیق امام سجاد سلام‌الله علیه را با هم می‌خوانیم، ایمان همراه با عمل صالح است که حقیقت بندگی را شکل می‌دهد و موجب رستگاری ما است و پایه آن انجام واجبات و قیام بر مستحبات است. اما چه‌جسرا گرفتاری‌ها و سختی‌ها و اندوه‌ها و مشکلات راه و رسم بندگی را سد می‌کنند و موجب کاهلی در واجبات و بی‌توجهی به مستحبات می‌شود. ما همگی امتحان کرده‌ایم که وقتی فکر مهمی داریم، نمازی را که می‌خوانیم، اصلا به آن توجه نداریم و کاملاً به آن بی‌توجه هستیم و حال انجام مستحباب را هم نداریم، زیرا فکر و ذهن و دل ما مشغول است. یا عوامل بیرونی چون کرونا موجب تعطیلی نمازهای جمعه و جماعات می‌شود و اجتماعات مذهبی را به تعطیلی می‌کشاند. همین موجب آندوه‌مومن است که با واجبات و مستحبات انس دارد و با آنها به خدا تقرب می‌جوید.

امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌فرمایند: «وَلَا تَشْفَلِنِي بِالْاِهْتِمَامِ عَن تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ» مرا به دلیل گرفتار شدن به سختی‌ها از اهتمام و توجه دقیق به واجبات و رعایت مستحباب باز مدار. انقدر گرفتاری‌ها و سختی‌ها و بلاها بر ما فشار درونی یا بیرونی می‌آورد که نماز ما دچار نقصان می‌شود و نماز بی‌حس می‌شویم. یا به دلیل بیماری از توفیق روزه واجب ماه رمضان باز می‌مانیم و اینچنین دچار سرگردانی و اندوه می‌شویم و از تعهدی که برای مراقبت از واجبات خود داریم، باز می‌مانیم و نسبت به مستحباب هم حس است می‌شویم و این درد بزرگی است و از خدای تعالی می‌خواهیم گرفتاری‌ها ما را به چنین حالتی دچار نکند.

ادامه در صفحه ۶

### یادداشت

نمانه‌اوان: شیوع ویروس

کرونا در جهان بسیاری از

حقایق گمشده در هزار توی روابط سیاسی و اقتصادی جهان را آشکار کرد و نشان داد دنیا-آنطور که ما می‌شناختیم نبوده و از این پس نیز-آنطور نخواهد بود که تا پیش از این به یاد می‌آوردیم. متخصصان و نظریه‌پردازان حوزه روابط بین‌الملل و علوم انسانی نیز این روزها هر کدام به ارائه نظرات جدیدی در حوزه جهان‌پساکرونا می‌پردازند. آنها با بررسی اتفاقاتی که در طول تقریباً ۲ ماه گذشته در تاریخ جهان افتاده است، می‌خواهند به این نتیجه برسند که جهان پیش از کرونا دقیقاً چه شکلی بوده، چه فرآیندی را از نظر سیاسی و روابط بین‌الملل و ملت‌ها طی می‌کرده و قرار است چه ویژگی‌هایی در جهان پساکرونا داشته باشد.

چند مسأله در این میان بسیار واضح‌تر از تمام فرضیات و نظریه‌های دیگر است. سیستم فعلی مدیریت در مسأله شیوع بیماری (کووید-۱۹) نشان‌داد بسیار ناتوان، فلسفه درهم‌پچیده، ضعیف و بی‌قانون است. نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل به این نتیجه رسیده‌اند سال‌ها نظریه‌پردازانی در این حوزه، که از فاصله بین دو جنگ جهانی آغاز شده بود و با شکل‌گیری سازمان ملل بعد از جنگ دوم جهانی به نقطه اوج خود در رسیدن به نظریات مبتنی بر همکاری‌های بین‌المللی و گسترش لیبرالیسم در جهان رسیده بود، هم‌اینک بیشتر از هر زمان دیگری در دنیا ضعف و ناتوانی خود را به نمایش گذاشته است. شاید از نظر برخی متخصصان این حوزه زود باشد که از فروپاشی پایه‌های نئولیبرالیسم و سیستم سرمایه‌داری در جهان پساکرونا صحبتی به میان آورد اما ظهور یک «باندی جهانی» کافی بود که نشان دهد نشانه‌های این فروپاشی بسیار واضح‌تر و آشکارتر از قبل، قابل مشاهده است.

نظریه‌پرداز معروف آمریکایی بیان کرده است: بحران سلامتی که ویروس کرونا برای بشر امروز ایجاد کرده، بسیار خطرناک و جدی است و ممکن است عواقب وخیم‌تری در آینده به بار آورد اما این بحران موقت است و در نهایت برطرف خواهد شد، در حالی که ما با ۲ بحران اقدامات دولت‌های غربی در بی‌تفاوتی‌شان نسبت به جان

کرونا و اندیشمندان غربی

### دست و پا زدن برای نجات لیبرالیسم

مردم‌شان پیدا کند و بدین ترتیب نئولیبرالیسم را با تمام ضعف‌ها و کاستی‌های وحشتناکش که مردم را با پدیدار شدن ویروس کرونا به موجوداتی بی‌ارزش تبدیل کرده است، از تمام اتهامات تبرئه سازد.

فوکویاما به این موضوع پرداخته که کرونا موضوعی فراگیر برای همه دولت‌هاست و نوع مواجهه این دولت‌ها نیز کم‌وبیش به یک سمت و سو رفته است. برخی دولت‌ها از ابتدای امر با تحدید آزادی بیان و ایجاد محدودیت برای رسانه‌ها، اجازه انتشار حقایق راجع به این بیماری را به شهروندان‌شان ندادند و برخی دولت‌ها نیز برای جلوگیری از آسیب دیدن اقتصاد (در واقع سیستم سرمایه‌داری) و حفاظت از منافع شخصی خود احساس کردند بهتر است نشان دهند همه چیز را تحت کنترل دارند.

فوکویاما در نهایت برخورد یکسان حکومت‌های مختلف با ویروس کرونا و تبعات آن را یک امر طبیعی تلقی و بیان می‌کند عامل تعیین‌کننده مهم در مقابله با بحران نه نوع رژیم، بلکه ظرفیت دولت در مقابله با این بحران است و اگر ظرفیت دولت کم باشد دروغ‌گویی‌ها نیز آغاز می‌شود.

او بلافاصله این نظریه را مطرح می‌کند که نوع حکومت نمی‌تواند معین کند یک دولت تا چه حد می‌تواند در مقابله با ویروس کرونا موفق باشد، بلکه این میزان اعتماد مردم به رژیم و حکومت است که نقشی تعیین‌کننده را در این میان بازی می‌کند. او با این کار عملاً بار هر گونه مسؤولیت در این باره را از دوش دولت‌های غربی برمی‌دارد و با اشاره به اینکه مردم به افرادی مانند ترامپ اعتماد ندارند، فرد و نه سیستم (سیستم مموکراسی غربی مبتنی بر سیستم اقتصاد سرمایه‌داری) را عامل اصلی ناکامی دولت‌های غربی در مقابله با یک بیماری همه‌گیر جهانی می‌داند.

آینده نامعلوم همکاری‌های بین‌المللی مهم‌ترین مشخصه نظام‌های لیبرالی همکاری‌های بین آنها بود. این همکاری‌ها که مهم‌ترین سمبل

در جهان معاصر بوده و تصور می‌کرد این موفقیت جزو حقوق ذاتی است نه چیزی که باید به دست آورد و از آن مراقبت و محافظت کند و با این بی‌خیالی، تمایل به قمار بر رهبری نیازموده شکل گرفت، به‌رغم همه هشدارهایی که در بالا وصف آن رفت.

حالا آمریکا که خود نمادی از بی‌تدبیری در حل مشکلات داخلی‌اش شده و اعتقادی به همکاری‌های بین‌المللی نیز ندارد، در گوشه‌ای از جهان با انزوای جهانی خود دست و پنجه نرم می‌کند و در این گوشه جهان نیز هر کدام از کشورها سعی دارند با نظم تازه‌ای که «کرونا» برای آنها به ارمغان آورده، نظریه‌پردازی‌های جدیدی ارائه کنند.

### ما و دنیای پساکرونا

چامسکی نیز معتقد است با پایان یافتن بحران کرونا، مردم جهان باید تصمیم بگیرند که بر اساس چه الگو و عقیده‌ای می‌خواهند آینده خود را بنا سازند، زیرا هم‌اینک مشخص است که منشأ همه نابسامانی‌ها و مشکلات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به‌خاطر اعمال سیاست‌های نئولیبرالیسم و بازار جهانی است. برای مثال، از مدت‌ها پیش نئولیبرالیسم می‌دانست یک بیماری فراگیر و کمی متفاوت با بیماری سارس که گونه‌ای از کروناویروس است، از راه خواهد رسید و جهان را مبتلا خواهد کرد. سیاست نئولیبرالیسم می‌توانست برای پیشگیری از این بیماری دست به کار شود و واکنش آن را تهیه کند اما کمپانی‌های خصوصی داروسازی همراه با لابی‌های وابسته، برای‌شان ساختن انواع کرم‌پودرهای جدید سودآورتر از ساختن واکنش‌کننده است.

بنابراین لحظات کنونی یکی از مهم‌ترین لحظات تاریخ بشر است. این لحظات نه فقط به دلیل مقابله با ویروس کرونا، بلکه برای آگاهی از نقص‌ها و عیوب نظام‌های جهانی و نارسایی عملکرد سیستم اقتصادی آنهاست که باید روبه‌رو شده است. اما بعد از کرونا تازه آمریکا با این سؤال روبه‌رو شده است که مشکل اصلی‌اش در تبدیل شدن به الگوی مدیریت جهان چه بوده است؟ والت در مقاله خود بیان کرده است: «بخشی از مشکل، گستاخی و غروری است که از تاریخ فوق‌العاده محبوب آمریکا به جان مانده است. آمریکا تاکنون خوش‌شانس‌ترین کشور